

# عراق در جنگال خونین سلطه طلبان

محقق محمد احمد الراشد

ترجمه و اقتباس: ثناءالله شهنوازی

و تعمیق سلطه و سیطره نظامی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود بر تمام سرزمینهای عربی و اسلامی است. و این تلاشها در راستای تحقق بخشیدن به برنامه‌ها و اهداف استراتژیکی است که در قالب نظم نوین جهانی و جهان سالاری در دنیای تک قطبی توسط آمریکا انجام می‌شود.

لذا حساسیت این موضوع از نگاه دینی، بلکه از نگاه انسانی و همچنین از نظر قوانین بین المللی روشن است، زیرا این کار تجاوز ملتی علیه ملتی، و دولتی علیه دولتی دیگر، و اضافه بر این از نگاه دینی تجاوز حکومت کافر و مستبدی علیه سرزمینهای اسلامی است. چنانکه می‌بینیم این اقدام زمینه ساز جنایات بیشتری از سوی دولت‌های کافر و مستبد علیه مسلمانان در سرزمینهایی که تحت سیطره شان است از قبیل چین و کشمیر شده است. کما اینکه روسیه تحرکات جدیدی را برای سرکوب مردم چین آغاز کرده است و دولتمردان هند به تهدیدهایشان علیه پاکستان و مسلمانان استقلال طلب کشمیر افزوده‌اند. لذا مسئله دفاع و دفع تجاوز مردم عراق از سرزمینشان و همچنین لزوم همکاری دولتهای اسلامی با عراق در حد توانشان و تحریم هرگونه همکاری از سوی هر یک از کشورهای اسلامی و هر فرد مسلمان در این جنگ امری سرنوشت ساز است.

بحران عراق با قبول قطعنامه جدید سازمان ملل متحد از سوی عراق مبنی بر شروع بازرسی مجدد از سلاحهای این کشور و بررسی اسناد و اطلاعات این سلاحها به نقاط پیچیده‌ای رسید. طرح دوباره این مسئله با استراتژی خاصی از سوی آمریکا دنبال می‌شد که در صورت گردن نهادن عراق به آن، همان نتایجی مدنظر آمریکا بود که در صورت یک جنگ پیروزمندانه می‌شد به آن رسید؛ از جمله قبول سلطه سیاسی آمریکا بر عراق و وداع مردم این کشور با استقلال سیاسی و ارضی و نابودی تمام سلاحهای مورد نظر آمریکا و تسلط آزادانه بر منابع نفتی. اما قطعنامه سازمان ملل در کوتاه مدت با این استراتژی آمریکا همگام نگردید، لذا آمریکا با اذعان به این امر از ماهها قبل با تجهیز و ارسال نیروهای نظامی از یک طرف و راه‌اندازی تبلیغات روانی بسیار وسیع و گسترده برای آماده کردن افکار عمومی جهان، خصوصاً مردم آمریکا، در صدد ایجاد حق موهومی برای خود بود تا به نمایندگی از افکار عمومی جهت درهم شکستن حاکمیت هر کشوری که بخواهد اقدام کند. که این استراتژی وقوع جنگ در عراق را امری اجتناب‌ناپذیر و حتمی قرار داده بود.

پرواضح است که تلاشهای آمریکا برای از میان برداشتن صدام، با منافع هدفمند و دراز مدت آمریکا در منطقه گره خورده است. زیرا آمریکا در صدد بسط

مردم سالاری دینی فراهم کنند و بر حسب ضرورت از کشورهای اسلامی منطقه استمداد نمایند نه اینکه به آمریکا و هم پیمانانش متوسل شده و آنها را بر مقدرات سرزمین اسلامی خود مسلط کنند. زیرا این سیاست نتیجه‌ای جز از بین رفتن قدرت نظامی عراق و درهم شکستن ارتش آن و فراهم شدن بستر امنیتی مناسبی برای اسرائیل در رسیدن به اهداف شومش نخواهد داشت.

هرچند کسب استقلال و نجات از ظلم امری ستوده است اما این کار نباید به قیمت نابودی یک سرزمین اسلامی و بی‌خانمان شدن هزاران انسان و یتیم شدن هزاران کودک توسط قدرتهای استعماری که به دنبال منافع مورد نظر خود هستند، تمام شود. و اگر چنین شود نه تنها این همکاری به دفع ظلم و استقرار حکومتی مردمی در مناطق مختلف عراق نمی‌انجامد بلکه چهره‌گرایی از سازش کاران معارض عراقی را در حافظه تاریخ ملت عراق به ثبت خواهد رساند و حیات سیاسی این گروه‌ها را مختل خواهد کرد.

#### نفت: هدف اصلی تهاجم

با نگاهی گذرا به سیاستهای حاکم بر جهان می‌توان به هدف اصلی این جنگ پی برد. نه برای از بین بردن صدام نیاز به راه‌انداختن چنین جنگی بود و نه چیزی از سلاحهای کشتار جمعی باقی مانده که سبب این جنگ گردد، پس آنچه عراق را به کانون جنگ تبدیل کرده است چیزی جز ذخایر غنی نفتی آن نیست. بنابر جدیدترین تحقیقات کارشناسان نفت، عراق بزرگترین ذخایر نفتی دنیا را در اختیار دارد، بر خلاف آنچه قبلاً مطرح بود که میدانهای نفتی ارامکو در صدر ذخایر نفتی جهان قرار دارند.

در اواخر دهه هشتاد نزدیک بود که فرانسه و آلمان امتیاز استفاده از میدان نفتی مجنون العملاق را در اختیار خود قرار دهند اما آمریکا در اقدامی پیشگیرانه با فریب و تحریک صدام در اشغال کویت و سپس لشکرکشی نیروهای متحد به سرکردگی خودش به خلیج فارس این فرصت را از فرانسه و آلمان گرفت و

زیرا آنچه آمریکا از آن به عنوان از بین بردن سلاحهای پیشرفته و کشتار جمعی عراق نام می‌برد چیزی جز دفع تهدیدهای احتمالی عراق علیه اسرائیل نیست. اما باید گفت که دستیابی به سلاحهای پیشرفته و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای همانگونه که برای بسیاری از کشورهای جهان مشکلی ایجاد نکرده و به عنوان یک حق قلمداد می‌شود برای کشورهای اسلامی نیز این حق محفوظ است و استفاده غلط حاکمی از این سلاحها این حق را از دیگر کشورها سلب نمی‌کند و سوء استفاده از این سلاحها نمی‌تواند مانع بهره‌مندی و استفاده کشورهای اسلامی از این سلاحها برای مقابله با اسرائیل گردد.

متأسفانه بر اثر سیاستهای غلطی که حکام کشورهای منطقه در پیش گرفتند قدرت آمریکا روز به روز در منطقه افزایش یافت و وابستگی این کشورها به کاخ سفید استقلال عمل را از این کشورها سلب کرد و زمینه ساز حضور گسترده نیروهای آمریکایی در منطقه گردید، لذا نمی‌توان انتظار داشت که این کشورها بتوانند بر خلاف سیاستهای کاخ سفید در منطقه اقدامی بکنند.

اما آنچه می‌تواند آسیب‌پذیری منطقه را کاهش دهد و آمریکا را در راه رسیدن به اهدافش دچار مشکلات پرهزینه و طاقت‌فرسایی کند بیداری و عدم تمکین گروههای معارض عراقی در مقابل سیاستهای استعماری آمریکا است. هر چند حکومت صدام حسین بر مردم عراق ظلم روا داشته و می‌دارد اما هم پیمان شدن نیروهای معارض عراقی با آمریکا برای از بین بردن صدام اشتباه بزرگی است، زیرا این هم پیمان شدن نه تنها از دردهای ملت عراق نمی‌کاهد بلکه در دراز مدت آنها را گرفتار ظلم‌های بزرگتر و طاقت‌فرساتری می‌کند.

شایسته آن بود که گروههای معارض و تمام کسانی که از سیاستهای ظالمانه صدام به تنگ آمده‌اند با در پیش گرفتن روشی بومی و اسلامی در ایجاد تغییر اساسی سیاسی در عراق گام بردارند و با ایجاد همبستگی و بیداری در بین توده مردم عراق، زمینه را برای ظهور

#### شایسته

آن بود که

گروههای

معارض و تمام

کسانی که از

سیاستهای

ظالمانه صدام به

تنگ آمده‌اند با

در پیش گرفتن

روشی بومی و

اسلامی در ایجاد

تغییر اساسی

سیاسی در عراق

گام بردارند و با

ایجاد همبستگی

و بیداری در بین

توده مردم

عراق، زمینه را

برای ظهور مردم

سالاری دینی

فراهم کنند.

همچنین  
تحلیل گران  
سیاسی معتقدند  
که آمریکا به  
اختیار گرفتن  
منابع نفتی عراق  
اکتفا نکرده و از  
آن به عنوان  
اهرم سیاسی  
فعال در عرصه  
سیاست  
بین المللی نه  
تنها در مقابل  
کشورهای جهان  
سوم بلکه در  
مقابل کشورهای  
اروپایی استفاده  
خواهد کرد. با  
این تحلیلها  
می توان به علت  
اصلی سر باز  
زدن شورهای  
چون آلمان و  
فرانسه از تأیید  
تهاجم نظامی  
آمریکا در عراق  
پی برد.

با به هم زدن اوضاع منطقه به عنوان قدرت برتر و قطب بی رقیب جهان ابتکار عمل را بدست گرفت و با پایین آوردن قیمت نفت، معادلات اقتصادی جهان را به نفع خودش رقم زد.

بنابر اظهارات بعضی از کارشناسان عرب، سقوط قیمت نفت در سالهای پس از آزادی کویت ضرری بیش از هزار و پانصد میلیارد دلار متوجه کشورهای عربی نموده است. به همین جهت آمریکا برای تکمیل استراتژی تسلط بر منابع نفتی جهان، خصوصاً منابع نفت عراق و خلیج فارس جنگ سلطه را از سر گرفته است.

با توجه به تحقیقات به عمل آمده در هفت سال آینده یک چهارم مصرف روزانه نفت جهان از عراق و نصف آن از خلیج تأمین خواهد شد و بدین ترتیب در آینده اتکای کامل جهان بر نفت کشورهای عربی خواهد بود.

نکته دیگری که شاید بسیاری از مردم جهان از آن بی خبر باشند این است که بر اثر تحقیقات دقیقی که توسط کارشناسان آمریکایی در سودان انجام شده، آمریکا دریافته است که کشور سودان بر روی دریاچه نفتی غنی بی شناور است. اما آمریکا این ذخایر عظیم نفت را برای روز مبادایی که دستش از نفت خلیج کوتاه شده و کانال سوئز بسته شود، دست نخورده رها کرد و در نظر داشت که سر فرصت به استخراج آن مبادرت کرده و با لوله کشی آن از سودان به سواحل غربی آفریقا و سپس بارگیری آن از سواحل آفریقا در اقیانوس اطلس توسط ناوگان نفتیش نیازمندیهای نفتش را بدون هیچ مشکلی تأمین کند.

اما با روی کار آمدن حکومت اسلامی در سودان منافع آمریکا به چالش کشیده شد و حکومت سودان بدون توجه به استراتژی آمریکا به استخراج از ذخایر نفتیش مبادرت ورزید که این امر باعث خشم سردمداران کاخ سفید گردید و بطور مسلم در صورت اشغال عراق اولین کشوری که گرفتار غضب و جنون سلطه طلبی آمریکا خواهد شد کشور سودان است تا بتواند عملیات استخراج را متوقف کرده و از آن برای

تقویت قدرت خود در آینده استفاده کند. همچنین تحلیل گران سیاسی معتقدند که آمریکا به اختیار گرفتن منابع نفتی عراق اکتفا نکرده و از آن به عنوان اهرم سیاسی فعالی در عرصه سیاست بین المللی نه تنها در مقابل کشورهای جهان سوم بلکه در مقابل کشورهای اروپایی استفاده خواهد کرد. با این تحلیلها می توان به علت اصلی سر باز زدن کشورهای چون آلمان و فرانسه از تأیید تهاجم نظامی آمریکا در عراق پی برد.

همچنین اطلاعات بدست آمده حاکی از آن است که گردانندگان اصلی سیاست آمریکا از جمله بوش پسر و بوش پدر، دیک چنی، رامسفلد و کوندلیزا رایس همه از مالکان بزرگ شرکتهای نفتی آمریکا هستند که سهم قابل ملاحظه ای از نفت عراق و خلیج نصیب آنها خواهد شد.

چندی پیش سقوط یک هواپیمای امدادرسانی در پاکستان از عملیاتی سری برای ترسیم نقشه لوله های نفت و گاز آسیای میانه با گذر آن از افغانستان و پاکستان و رساندن آن به منطقه خلیج برده برداشت. که می توان آن را یکی از اهداف اصلی تهاجم آمریکا به افغانستان به بهانه حوادث یازده سپتامبر و مبارزه با تروریسم، قرار داد.

در اینجا نباید از واقعیتی که با سقوط این هواپیمای کمک رسانی از آن پرده برداشته شد غافل ماند که چگونه تحت نام ارسال کمک های بشر دوستانه در سرزمینهای اسلامی به عملیات جاسوسی پرداخته می شود. همانگونه که به نام کمک رسانی به مردم جنوب سودان با هواپیماهایی با آرم صلیب سرخ به تقویت و تجهیز نظامی شبه نظامیان مخالف حکومت سودان پرداخته شده و می شود.

#### جهان سالاری سفاکانه

جرج دبلیو بوش در اظهارات خود اعلام کرده که آمریکا از چاههای نفت عراق در جهت منافع و نیازهای ملت عراق حفاظت خواهد کرد. اما این سخنان چنان مضحک اند که ما را به یاد حکایت

الطاف بریتانیا به سوی خود سر از پا نمی‌شناختند، امروزه در کمال حسرت شاهد به تاراج رفتن ذخایر نفتی سرزمینشان هستند. لذا آنچه توسط مدعیان حاکمیت دموکراسی در جهان بر سر جزایر فالکلند آمده دلیل روشنی بر فریب کاری جهانی و آشکار کشورهای سلطه طلب زیر سایه شعارهایی از قبیل مبارزه برای حاکمیت دموکراسی و حمایت از حقوق بشر است.

نکته حیاتی‌ای که جهان اسلام نباید نسبت به آن بی‌تفاوت باشد این است که تسلط بر نفت و بدست گرفتن نبض سیاست عراق از جمله اهداف ثانوی آمریکای در این جنگ است. ولی هدف آن انجام می‌شود این است که نه تنها عراق بلکه تمام کشورهای منطقه از مبارزه و به راه انداختن جنگ و همچنین آسیب رساندن به اسرائیل عاجز شوند. لذا آمریکا به نمایندگی از اسرائیل به این اقدامات دست می‌زند. زیرا در تلمود آمده است که نابودی دومین حکومت یهودیان - مراد حکومت فعلی شان در اسرائیل - به دست لشکر قوی و نیرومندی که از سرزمین بابل - عراق فعلی - خارج خواهد شد شکل خواهد گرفت، همانگونه که چندین هزار سال قبل دولت اولشان توسط بخت نصر که از همین سرزمین حرکت کرده بود درهم شکست و نابود گردید.

به همین جهت آمریکا با شدت بخشیدن به تحریم‌های اقتصادی و غذایی عراق و تمدید آن در صدد ایجاد سوء تغذیه عمومی است تا مردم عراق از نظر جسمی و روانی دچار بیماریهای مزمن و ریشه‌داری گردند و ابتکار عمل در عرصه‌های علمی، فکری و نظامی را از دست بدهند و با سرخوردگی و شکست روحی و مشغول شدن به دردها و رنجهای خود، فرصتی برای اندیشیدن به امور دیگری نیابند، تا یهود و اسرائیل از جانب عراق دغدغه‌خاطری نداشته باشند. اما مقاومت سرسختانه ملت عراق در مقابل تحریم‌های اقتصادی و غذایی آمریکا و سازمان ملل و بهره‌گیری آنان از نعمتهای سرشاری که خداوند متعال در این سرزمین به ودیعت گذاشته، خشم آمریکا و

به ودیعه گذاشتن دنبه پیش‌گریه می‌اندازند. در حکایات آمده است که روزی شیر، از گرگ و روباه جهت همراهی و همکاری با وی در امر شکار دعوت به عمل آورد. در نتیجه این همکاری یک شتر، یک آهو و یک خرگوش شکار شد. در این میان روباه با پررویی و خنده گفت: چه حسن اتفاقی که به تناسب هر یک از ما شکاری صید شد شتر سهم سرور و آقای ما شیر است، آهو هم سهم گرگ و خرگوش هم سهم این حقیر است. اما شیر در یک تهاجم ناجوانمردانه روباه را در هم کوبید و با چهره‌ای خونین از میدان بدر کرد. سپس رو به گرگ کرد و گفت: نظر تو در مورد تقسیم این شکارها چیست؟ گرگ با حفظ ظاهرش پاسخ داد: جناب پادشاه! نظر این حقیر اینست که شتر را الان تناول بفرمایید و چه خوب است خرگوش را برای عصرانه بگذارید و آهو را نیز در وقت شام صرف کنید زیرا گوشت آهو سبک است و فشاری به معده شما در وقت خواب وارد نمی‌کند.

شیر لبخندی معنادار زد و گفت: این شد یک قضاوت حکیمانه! راستی بگو این همه حکمت و درایت را از کجا آموخته‌ای؟ گرگ پاسخ داد: اینها را از کتابی که با قلم سرخ نگاشته شده بود - یعنی چهره خون آلود روباه - آموختم.

حال حفاظت آمریکا از ذخایر نفتی عراق برای ملت عراق حکایتی از این دست است. و درسهای آمریکا برای ملل جهان در کتابهای فصیح و بلیغی با خط سرخ قلم خورده است. که در نتیجه آن مردم عراق با کابوس وحشتناکی از درد و رنج و غم بر اثر شدت و گستردگی عملیات سهمگین مواجه شده و خواهند شد.

سردمداران کاخ سفید با تصرفات زورمدارانه خود بر عراق و دیگر کشورهای جهان در کمال سرمستی و تکبر، برای تهدید تمام بشریت کتابخانه عظیمی از کتابهایی که با قلم‌های سرخ نگاشته شده‌اند به ارمغان خواهند آورد.

دو دهه پیش انگلستان به نام حاکم کردن دموکراسی در آرژانتین به جزایر فالکلند (جزایر مالونیا) حمله برد. مردم آن جزایر که در آن روزها از متوجه شدن

✓ آمریکا  
با شدت  
بخشیدن به  
تحریم‌های  
اقتصادی و  
غذایی عراق و  
تمدید آن  
در صدد ایجاد  
سوء تغذیه  
عمومی است تا  
مردم عراق از  
نظر جسمی و  
روانی دچار  
بیماریهای مزمن  
و ریشه‌داری  
گردند.

سلطه طلبان جهان را برانگیخت و با آغاز جنگی جهان سوز و تهاجمی گسترده با شلیک هزاران موشک و استفاده از بمبهای هوشمند و لیزری و انواع بمبهای دیگر در صدد از کار انداختن تمام تأسیسات استراتژیک و حساس عراق و از بین بردن زمینهای کشاورزی و مختل کردن زندگی اجتماعی، برآمده اند و بعید نیست که در صورت طولانی شدن جنگ از سلاحهای شیمیایی و بمبهای هسته‌ای نیز استفاده کنند. چنانکه ژنرال رامسفلد وزیر دفاع آمریکا طی اظهاراتی به احتمال استفاده از این سلاحها در صورت لزوم اشاره کرده است.

خلاصه اینکه تمام اقدامات لازم برای وقوع بزرگترین فاجعه انسانی تاریخ بشریت در عراق در حال شکل گیری است.

چنانکه اشاره شد هدف اصلی آمریکا از مهار عراق ایجاد کمربندی امنیتی برای اسرائیل و تأمین بستر مناسب برای توسعه اهداف اشغالگرانه آن است.

پس از اشغال کامل عراق و ایجاد حکومتی تحمیلی بر ملت عراق آمریکا در صدد متحقق ساختن سه هدف اساسی خواهد بود:

۱- این حکومت تحمیلی و دست نشانده، در وهله اول با به رسمیت شناختن اسرائیل باید در راستای تکمیل معاهداتی از قبیل معاهده کمپ دیوید و دیگر معاهدات صلح به نفع اسرائیل گام برداشته، و به قبول هرگونه همکاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با اسرائیل متعهد گردد و از این طریق حمایت همیشگی اسرائیل مطابق قوانین بین المللی و تحت سازمان ملل و پیمان نظامی ناتو شکل خواهد گرفت و احتمال هرگونه اقدام نظامی علیه اسرائیل باقی نخواهد ماند. و این یعنی به فراموشی سپردن فریضه جهاد و دوری از هرگونه تلاش ایمانی در مقابل منفورترین و جنایت کارترین کافران جهان.

که این روند مستلزم از بین بردن هویت اسلامی مردم عراق است که با برنامه‌های آموزشی و تبلیغات رسانه‌ای به این امر مبادرت خواهند کرد و با جایگزین کردن تربیتی غربی و جاهلی به محور ارزشها و

آرمانهای اسلامی خواهند پرداخت، تا با شکستی معنوی و تقویت حس حقارت و ناامیدی کار ملت عراق را یکسره کنند.

چنانچه سران کاخ سفید از جمله مشاور امنیت ملی بوش خانم کوندلیزا رایس در پیامهایی که به سران نیروهای معارض عراقی ارسال کردند یکی از شرایط هرگونه امتیاز دهی به نیروهای معارض را در به رسمیت شناختن اسرائیل توسط این نیروها مشروط کرده اند که ظاهراً توسط این نیروها پذیرفته شده است.

۲- درهم شکستن انسجام و قدرت دفاعی و نظامی لشکر عراق و از میان برداشتن کارشناسان و فرماندهان جنگی و نظامی و خلع سلاح کامل ارتش و درهم کوبیدن احتمال هرگونه شورش، چنانکه در بیانیه‌های مشاور امنیت ملی بوش در خطاب به نیروهای معارض به این شرایط تصریح شده است.

۳- تقسیم فوری یا دو مرحله‌ای عراق: با تشکیل سه ایالت و سپس طرح استقلال هر یک پس از چند سال، و این امر در راستای طرح تکمیلی قرارداد سایکس-پیکو است که به موجب آن پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۶ پیکره عظیم امپراطوری عثمانی تکه پاره شد و به اقمار کوچکی تبدیل گردید.

لذا با تشکیل دولت کردها در شمال و دولت شیعیان در جنوب و یک دولت عربی در بخش مرکزی در صدد حذف عراق از نقشه سیاسی جهان هستند. تا هر یک از این دولتها با چالشهایی که پیش روی هر کدام ایجاد خواهد شد به امور داخلی خود سرگرم شده و خود را از پیکره جهان اسلام جدا شده بینگارند و آمریکا و اسرائیل بدون کوچکترین دغدغه خاطری در پی مطامع خویش باشند.

و تمام این برنامه‌ها، یعنی طرح تقسیم عراق، درهم شکستن ارتش و فلج کردن مردم عراق از نظر روحی و جسمی، جزئی از استراتژی عظیم امنیتی اسرائیل است. چنانکه حدوداً نیم قرن پیش کارنجیا روزنامه‌نگار معروف هندی در کتابش تحت عنوان «خسجر اسرائیل» به نقل از رهبران اسرائیل و

هدف اصلی آمریکا از مهار عراق ایجاد کمربندی امنیتی برای اسرائیل و تأمین بستر مناسب برای توسعه اهداف اشغالگرانه آن است.

متحدانش بخشهایی از این استراتژی اسرائیل را بیان کرده است.

در کنار این اهداف، ابعاد دیگری نیز وجود دارد که نباید از آن غافل بود از جمله:

۱- تحمیل ورشکستگی مالی و فقر اقتصادی دراز مدت؛ زیرا باید عراق بیش از دویست میلیارد دلار بابت اشغال کویت به کویت غرامت بپردازد، در ضمن هزینه‌های جنگ فعلی که بیشتر از دویست و هفتاد میلیارد دلار برآورد شده را بپردازد و اگر دیگر بدهی‌های عراق را به آن بیفزاییم چیزی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار به اضافه بهره شان خواهد شد؛ که در نتیجه آن سه تا چهار نسل آینده عراق زیر خط فقر کمرشکن و بدون هیچ گونه آینده‌ای باید زندگی کنند.

۲- از بین بردن صنعت کشاورزی عراق؛ زیرا آمریکا می‌خواهد بطور گسترده از گندم نیز به عنوان اهرم فشاری در معادلات سیاسی و اقتصادی جهان استفاده کند، همانگونه که در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از آن بصورت موفقیت‌آمیز استفاده کرد و امروزه برای مهار مصر از آن استفاده می‌کند، به گونه‌ای که کشتیهای حامل گندم آمریکا یکی پس از دیگری در بنادر مصر لنگر می‌اندازد و از این طریق بر دولت مصر فشار می‌آورد تا از بسیاری از مطالبات سیاسی در منطقه دست بردارد و در ضمن نقش فعالی را در رسیدن آمریکا به مطالبات سیاسی در کشورهای عربی بر عهده گیرد.

همچنین شاهد بودیم که در سال ۱۹۹۰ آمریکا عربستان سعودی را از کشت گندم منع کرد. اسرائیل نیز پس از معاهده کمپ دیوید زیر پوشش همکاریهای زراعی با مصر به تخریب نظام زراعی و زمینهای کشاورزی و وارد کردن کودهای زراعی فاسد پرداخت تا بازار گندم مصری را کاسد کرده و به رونق بازار گندم آمریکایی بیفزاید.

لذا آمریکا در صدد است تا با از بین بردن زمینهای کشت گندم عراق، مردم عراق را نیازمند گندم خود بکند و در مواقع لزوم برای فشارهای سیاسی از آن استفاده نماید.

همچنین در نظر دارد با از بین بردن دومین سرمایه مردم عراق پس از نفت و اولین منبع تأمین غذایی عراق یعنی خرما، آنها را دچار فقر شدید غذایی و سوء تغذیه همیشگی بکند.

۳- مهار منابع آبی عراق؛ زیرا حل مسأله آب یکی از بندهای اصلی ایجاد کمر بند امنیتی برای اسرائیل است. اسرائیل علیرغم برتری نظامیش از بحران آب رنج می‌برد. اشغال عراق احتمالاً اشغال سوریه را در پی خواهد داشت و یا سوریه مجبور خواهد شد تا با اسرائیل قرار داد صلح امضاء کند و حتماً یکی از مهمترین شرایط این صلح استفاده از ذخایر آبی سوریه خواهد بود در ضمن اینکه سوریه باید اجازه دهد تا بالوله کشی از ترکیه بیشترین حد آبهای دجله و فرات به اسرائیل سرازیر شود.

چندی پیش چند پروژه عظیم سد آبی در ترکیه راه‌اندازی شد که غالباً از آن برای فروش آب به اسرائیل استفاده خواهد شد.

متأسفانه دولت اسلام‌گرای ترکیه در اولین اقداماتش با شکست مواجه شد و با سیاستی که در قبال تهاجم سلطه طلبانه آمریکا اتخاذ کرد زمینه را برای حضور نیروهای زمینی و هوایی آمریکایی در شمال عراق فراهم کرد، تا سرزمین اسلامی مورد تجاوز بی‌رحمانه قرار گیرد. کاش که به این ارزانی و سادگی خود را نمی‌فروختند و با شجاعت و مردانگی در مقابل تطمیع آمریکا و همچنین فشارهای ارتش لائیک ترکیه ایستادگی می‌کردند و لو اینکه این اقدامشان باعث خشم نظامیان لائیک و انحلال دولشان می‌گردید، اما آنان قهرمانانه و با پیروزی واقعی از این آزمایش بیرون می‌آمدند و در آینده با حمایت صد درصد مردم ترکیه روی کار می‌آمدند.

۴- استحاله فرهنگی؛ با ترویج فرهنگ آمریکایی و فلسفه مادپرگرای که جامعه فعلی آمریکا بر آن مبتنی است. همچنین ناکارآمد کردن مدارس اسلامی و تغییر تمام برنامه‌های آموزشی کلاسیک.

چنانکه پس از معاهده کمپ دیوید شاهد فارغ‌التحصیل شدن سه هزار دانشجوی مصری با

## ✓ آمریکا

در صدد است تا

با از بین بردن

زمینهای کشت

گندم عراق،

مردم عراق را

نیازمند گندم

خود بکند و در

مواقع لزوم برای

فشارهای

سیاسی از آن

استفاده نماید.

حریم هوایی و چه بصورت همکاری لجستیکی و نظامی و یا هرگونه همکاری دیگر باشد. حتی تمایل قلبی به تایید این تهاجم نیز در دایره حرام قرار دارد.

در این بحران جانکاه مناسب است تمامی مسلمانان جهان با صرف انواع کمکها، به موضع ضد جنگی که تمام جهان را فرا گرفته پیوندند و در کنار کشورهای بزرگی همچون آلمان و فرانسه که این موضع جهانی را همراهی می کنند قرار گیرند و از نتایج این موقف به نحو احسن به نفع جهان اسلام و رفع بحرانهای موجود استفاده کنند. و برای تحریک هر چه بیشتر توده های آمریکایی و اروپایی جهت پیوستن به این موقف تلاش نمایند. چنانکه شاهد نمونه هایی از آن در بسیاری از پایتختهای جهان با تظاهرات میلیونی ضد جنگ بودیم.

گر چه دولت های جهان و همچنین سازمان ملل نتوانستند در مقابل استراتژی سلطه طلبانه آمریکا کاری از پیش ببرند، اما امید است که افکار عمومی جهان که تنفر شدید خود را از سلطه طلبان این جنگ جهان سوز اعلام داشتند، بتوانند به مثابه قطب دیگری در این جهان تک قطبی عمل کرده و باعث منزوی شدن آمریکا گردد. چنانکه مقدمات این انزوا با بحرانهایی که آمریکا با آن مواجه است فراهم شده است و ان شاء الله دور نیست روزی که جهان شاهد فروپاشی و شکست ذلت بار آمریکا و متحدانش باشد. «و بالله اعتصام المستضعف المقهور هو مولانا و هو ارحم الراحمین»



مدرک دکترا از دانشگاهها و دانشکده های وابسته به سازمانهای صهیونیستی آمریکایی بودیم که از طرفداران سرسخت صلح و روابط عادی با اسرائیل هستند، و تلاشهایشان باعث تزلزل بسیاری از کسانی شده که از مخالفان سرسخت صلح و عادی سازی روابط با اسرائیل بوده اند.

در عراق و بالتبع در دیگر سرزمینهای عربی نیز این سیاست دنبال خواهد شد و در نظر است از این طریق و با همکاریها و تلاشهای سازمان جاسوسی آمریکا، سیاه تمام حرکت های اسلامی و جهادی در جهان عرب قلع و قمع گردد و عرصه بر داعیان، عالمان، اندیشمندان، محققان و نویسندگان اسلامی تنگ شود و خفقان جانکاهی در سرزمینهای اسلامی حاکم گردد.

اما مسلمانان و حق طلبان عالم نباید ناامید شوند زیرا تمام آنچه ذکر آن گذشت زمینه را برای رسیدن اسرائیل به جایگاه بزرگترین غده سرطانی و فسادگر جهان فراهم می کند. چنانکه قرآن به ما از آن خبر داده است و این امر تقدیری الهی است که اسرائیل باید به این جایگاه برسد و به عنوان یک واقعیت قابل درک گردد، تا خداوند متعال به بندگان واقعی خودش اجازه دهد تا به میدان آمده و سرزمینها را در نورددند و اسرائیل را به خاک و خون بکشند و از صحنه هستی نیست کنند. و وعده های الهی متحقق گردد. زیرا وعده های الهی بدون شک متحقق شدنی هستند، پس این جنگ با تمام ابعادش در واقع مقدمه ای برای ظهور وعده های الهی به مؤمنین و پیروزی آشکار حق بر باطل است.

اما آنچه از خلال این حقایق و آگاهی یافتن به سیاستها و برنامه های آمریکا بطور روشن به آن دست خواهیم یافت، این حقیقت است که همکاری حتی یک فرد مسلمان با این تهاجم استعماری و سلطه طلبانه بطور قطعی حرام است و در آن جای هیچ تأویلی نیست، چه به صورت در اختیار گذاشتن فرودگاهها و پایگاههای نظامی باشد، چه بصورت اجازه عبور به نیروها و تجهیزات نظامی باشد و چه بصورت اجازه استفاده از

✓ همکاری  
حتی یک فرد  
مسلمان با این  
تهاجم  
استعماری و  
سلطه طلبانه  
بطور قطعی  
حرام است و در  
آن جای هیچ  
تأویلی نیست،  
چه به صورت در  
اختیار گذاشتن  
فرودگاهها و  
پایگاههای  
نظامی باشد، چه  
بصورت اجازه  
عبور به نیروهای  
و تجهیزات  
نظامی باشد